

مقاله پژوهشی: تبیین اختلافات القاعده و داعش در غرب آسیا و بازتاب آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

طاهر حیدرزاده^۱ و عاطفه صادقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

چکیده

یکی از مهم‌ترین تهدیدات علیه امنیت ملی هر کشور در طول دوره‌های مختلف گروه‌های تروریستی بوده‌اند که با اقدامات انحصارگرایانه و ایدئولوژیک خود برای مبارزه با هویت ملی، جامعه را قطب‌بندی و امنیت ملی را مختل می‌کنند. در غرب آسیا نیز هر مسئله و بحرانی نه تنها کشورهای منطقه، بلکه سیستم بین‌المللی را نیز وادار به واکنش می‌نماید. در سال‌های اخیر داعش و القاعده که از بزرگ‌ترین سازمان‌های تروریستی در طول تاریخ می‌باشند، اختلافات آن‌ها نه تنها غرب آسیا بلکه نظام بین‌الملل را متاثر کرده است به‌خصوص کشور جمهوری اسلامی ایران که به خاطر هویت شیعی خود در معرض تهدیدات این گروه‌های تکفیری قرار دارد. هدف این پژوهش تبیین اختلافات القاعده و داعش در غرب آسیا و بازتاب آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. سوال اصلی به این صورت است که تقابل و تشابه دو گروه تکفیری القاعده و داعش کدامند و چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارند؟ که در پاسخ به سوال اصلی، فرضیه پژوهش بر این اساس است که: ضمن تشابه در سلفی‌گری و اعمال خشونت و اختلاف در حوزه‌های عملیاتی، نسبت به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فرصت‌ها و چالش‌هایی را ایجاد نموده‌اند. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: القاعده، امنیت، داعش، جمهوری اسلامی ایران، غرب آسیا.

۱. دکتری روابط بین‌الملل، مدرس دانشگاه، دانشکده علوم انسانی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام،

ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: dr.taherheidarzadeh@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه:

sadeghi20231365@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

با مطالعه تاریخچه عملکرد قدرت‌های استعماری در کشورهای اسلامی به‌ویژه در دو قرن اخیر این موضوع کاملاً قابل تصدیق است که قدرت‌های سلطه‌گر همواره از ظرفیت‌ها و زمینه‌های درون جهان اسلام برای تضعیف اسلام و خنثی نمودن توانایی‌های بالقوه آن بهره‌برداری نموده‌اند، در این میان آنچه بیش از همه مطمح نظر بوده امکان اختلاف‌افکنی و انشعاب فکری بین مذاهب و گرایش‌های مختلف دنیای اسلام از درون با استخدام مهره‌های فرصت‌طلب یا سست ایمان یا منحرف از لحاظ عقیدتی بوده است. ترویج افراطی‌گری و خشونت یکی از شگردهای نظام سلطه برای فرصت‌سوزی و سرگرم‌سازی دنیای اسلام به جنگ‌های داخلی و هدر رفتن استعدادهای نهفته اسلام و مسلمانان در دنیای معاصر می‌باشد و با شکل دادن گروه‌هایی مانند القاعده و داعش در پی ضربه زدن به اسلام و مسلمانان هستند. القاعده و داعش به عنوان دو گروه تروریستی، تکفیری با ماهیت فراملی که علاوه بر عضوگیری آن‌ها از مناطق مختلف جهان و جذب حمایت‌های مالی، قادر به انجام عملیات‌های تروریستی در نقاط مختلفی از جهان می‌باشند که بزرگ‌ترین عملیات تروریستی که منشأ تحولات مختلفی در جهان شد، حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا توسط القاعده می‌باشد. به هر ترتیب با وقوع بیداری اسلامی و خیزش‌های مردمی در جهان عرب، برخلاف تصورات غالب که این خیزش‌ها را گامی به‌سوی دموکراسی می‌دانستند، گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی دیگری در این منطقه جغرافیایی پدید آمدند. بزرگ‌ترین سازمان تروریستی که حتی توانست با تسخیر سرزمین برای مدتی کوتاه اعلام حکومت کند داعش یا دولت اسلامی عراق و شام بود. این سازمان نیز مانند القاعده یک سازمان تروریستی فراملی بود که افراد مختلفی را از ملیت‌ها و از نقاط مختلف جهان جذب کرد و دامنه حملات خود را نیز تا قلب اروپا گسترش داد. هرچند که شکل اخیر تکفیر در منطقه ریشه در فعالیت‌های استکبار و ابومصعب الزرقاوی در سال‌های قبل از ۲۰۱۱ دارد. حوادث بیداری اسلامی نیز بهانه‌ای برای شعله‌ور کردن آتش تکفیر شد، آتشی که گریبان کشورهای

مختلف را گرفت. «ابومصعب الزرقاوی» که برخی او را پدر معنوی داعش می‌دانند، در نامه‌ای که در سال ۲۰۰۴ به رهبران القاعده افغانستان نوشت، به شدت به شیعه حمله کرد. او با نقبی به تاریخ اسلام، شیعیان را همدست مغولان در سقوط بغداد برشمرده و استقرار سلسله صفویه در ایران را خنجری بر پیکر اسلام دانست. بعدها با حمایت آمریکایی‌ها شاخه القاعده در عراق در سال ۲۰۰۶ اوج گرفت و مقدمه‌ای برای تشکیل داعش شد. این سازمان محدوده عملیاتی خود را به غرب آسیا محدود نکرد اما تمرکز اصلی خود را برای تشکیل خلافت اسلامی در غرب آسیا و دو کشور عراق و سوریه قرار داد. بنابراین داعش علاوه بر تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌طور خاص تهدیدی جدی برای اهداف جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. داعش تشیع را یکی از اهداف مشروع برای حمله خود می‌داند و باتوجه به نقش بارز و حیاتی که تشیع در تعریف هویت ایرانی دارد، می‌توان گفت تهدید این جریان تروریستی برای ایران، یک تهدید حیاتی به‌شمار می‌آید. البته گروه تروریستی داعش با عملکرد و حضور خود در منطقه، فرصت‌هایی را نیز برای جمهوری اسلامی فراهم نموده است. به هر ترتیب بحران داعش از پراهمیت‌ترین چالش‌ها در عرصه سیاست خارجی کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که تأثیرات زیادی را در حوزه امنیت وارد کرده است. با عنایت به موارد مطرح شده پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به‌دنبال پاسخ به این سوال است که تقابل و تشابه دو گروه تکفیری القاعده و داعش کدامند و چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارند؟

۱. مبانی نظری

۱-۱. تاریخچه شکل‌گیری القاعده

شکل‌گیری سازمان‌های تروریستی مانند القاعده و داعش مبتنی بر اندیشه‌ها، مفاهیم، زمینه‌های فکری و تئوریکی است که به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد (الماسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳). با خروج شوروی سابق از افغانستان در سال ۱۹۸۹ اسامه بن‌لادن

گروهی به نام ارتش اسلام که بعد از مدتی القاعده نام گرفت تشکیل داد که برای رسیدن به اهداف خود در سال ۱۹۹۰ به کشور سودان رفت. بنابراین شکل‌گیری القاعده از کشور سودان آغاز شد. طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ گروه القاعده محدود به یک سازمان مرکزی شد. فعالیت‌های تروریستی القاعده سبب شد تا کشورهایی که مورد حملات تروریستی این گروه قرار گرفته‌اند به کشور سودان فشار آورده و در نتیجه سبب خروج القاعده از سودان را در پی داشته باشد. شرایط خاص منطقه سبب شد تا طالبان از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۱ از القاعده حمایت کند و به آن‌ها کمک کرد تا در تمامی نقاط افغانستان پایگاه ایجاد نمایند و تشکیلات خود را گسترده کنند. در این سال‌ها القاعده در سراسر جهان اقدام به عملیات‌های تروریستی نمود و این گروه به توانایی بالایی دست یافت به نحوی که پس از ۱۱ سپتامبر این تشکیلات مهم‌ترین دشمن ایالات متحده به‌شمار می‌آمد. به دنبال این اقدامات، القاعده ضربات متعددی را متحمل شد و بسیاری از رهبران خود را در سراسر جهان از دست داد و سبب شد تا القاعده چند تکه شود (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

نقش و تلاش‌های القاعده به عنوان یک نیروی تاثیرگذار در مسائل سیاسی و امنیتی غرب آسیا به حدی افزایش یافت که جنگ علیه تروریسم به دغدغه اصلی سیستم امنیتی بین‌المللی تبدیل شد. به‌طور کلی می‌توان گفت در فاصله میان عقب‌نشینی نهایی شوروی سابق از افغانستان در فوریه ۱۹۸۹ و بازگشت بن‌لادن به افغانستان در مه ۱۹۹۶ القاعده به طور فزاینده‌ای جهانی شد. در این دوره توجه القاعده از درگیری در افغانستان به تدریج به عملیات‌های گسترده‌ای در غرب آسیا، آفریقا، اروپا و حتی ایالات متحده جلب شد (پیترال، ۱۳۹۰: ۱۶۳). به هر ترتیب در مورد ظهور القاعده می‌توان به عناصر زیر اشاره نمود:

❖ ظهور بحران‌های اجتماعی، سیاسی و هویتی در جهان عرب به عنوان فرایند جهانی شدن.

❖ حمایت نامناسب آمریکا از رژیم صهیونیستی در روند صلح اعراب با این رژیم.

❖ حمایت آمریکا از رژیم‌های مستبد و وابسته در جهان عرب که زمینه را برای حضور گسترده نظامی و نظام‌های سیاسی ایالات متحده در منطقه فراهم کرد.

❖ وجود جنگ، تنش و بحران منطقه‌ای در غرب آسیا.

در مورد میزان نفوذ القاعده بر امنیت منطقه‌ای و جهانی می‌توان به تلاش‌های زیر اشاره کرد:

- ۱- دامن زدن به جنگ و اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی در جهان اسلام ۲- ایجاد شکاف بین جهان اسلام و جهان مسیحیت ۳- تصویر افراط‌گرایی و ترویج تصویر خشونت‌آمیز از اسلام ۴- تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی.
- در نهایت در مورد ابزار مبارزه با القاعده و ارتباط آن با امنیت منطقه می‌توان به عوامل سه-گانه زیر اشاره نمود: ۱- مداخله نظامی مستقیم، سیاست‌های تغییر رژیم و جنگ‌های پیشگیرانه ۲- اجرای راه حل‌های سیاسی از طریق ترویج دموکراسی در منطقه ۳- ادغام عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منطقه در نظام جهانی از طریق ترویج اقتصاد بازار، ترویج آموزش، ریشه‌کنی فقر و ... (برزگر، ۱۳۸۷: ۳۰).

۱.۱.۱. هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی اسلامی القاعده

اصلی‌ترین موارد در زمینه هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی القاعده عبارتند از:

- ۱- هر حکومتی که شریعت اسلامی در آن اجرا شود حکومت دین است. ۲- هنجار اسلامی با معیارهای خود، خواهان کنش فرد مسلمان در چارچوب و ضوابط اسلام است و این امر را بایستی هم جامعه و هم دولت اجرا کند. ۳- مقاومت و جهاد در اسلام به مثابه چرخه اجتماعی و جنبش سیاسی در جهان اسلام است. ۴- قانون‌گذاری از طریق عقل مشروعیت ندارد و فقط فقهای وهابی مذهب اجازه قانون‌گذاری برای جامعه دارند. ۵- مردود و باطل دانستن آزادی بیان و آزادی عقیده و همچنین جدا و منفک ندانستن دین از سیاست. ۶- مورد تایید ندانستن احزاب و تشکیلات سیاسی. ۷- شناخت اسلام با شناخت فلسفه و یا آمیخته‌ای از الهام نزدیک‌تر است تا پراگماتیسم. ۸- اهمیت و توجه به فلسفه و تاریخ، چرا که تاریخ ابزار شناخت یک فرد مسلمان است.

۱-۲. تاریخچه شکل‌گیری داعش

داعش جریانی بنیادگرا و وابسته به ایدئولوژی وهابیت و از نوع تکفیری جهادی که خود منشعب از جریان سیاسی القاعده است (مبینی‌کشه و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۳۸). تاریخچه شکل‌گیری داعش به جماعت جهاد و توحید که در سال ۱۹۹۹ میلادی به رهبری ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد می‌رسد، که در سال ۲۰۰۴ میلادی به القاعده ملحق و سپس به القاعده عراق معروف شد. این گروه که وارد جنگ با دولت عراق و نیروهای آمریکایی مستقر در عراق شده بود در سال ۲۰۰۶ با چندین گروه اسلام‌گرای دیگر ائتلاف کرده و در استان الانبار، مجلس شورای مجاهدین را تشکیل داد. در همان سال مجلس شورا به همراه چند گروه شورشی دیگر دولت اسلامی عراق را تشکیل داد. عملیات سال ۲۰۱۰ ایالات متحده سبب کشته شدن رهبران اصلی دولت اسلامی عراق شد. بعد از این عملیات ابوبکر بغدادی به عنوان رهبر داعش جایگزین آن‌ها گشت. اهداف اصلی این گروه از همان آغاز فقط ضربه زدن به دولت جدید عراق و باز پس گرفتن حکومت حزب بعث بود که به‌همین دلیل در مقابل درخواست وهابی‌ها، سیا و حامیان خود مبنی بر اعزام نیرو به کشور سوریه ایستادگی کردند، اما بعد از مدتی برای تقویت و گسترش تشکیلات خود و همچنین فشار حامیان غربی و عرب با جذب تروریست‌های بیشتر، وارد جریانات کشور سوریه شده و کلمه شام را نیز به نامش اضافه و دولت اسلامی عراق و شام یا همان داعش در سال ۲۰۱۱ متولد گردید (ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۳۸).

در سال ۲۰۱۴ به دلیل شکست در سوریه، توجه داعش به عراق معطوف شد و به پیشروی در خاک این کشور برای تصرف عراق و ضمیمه آن به دولت اسلامی و نابودی دولت شیعه مالکی پرداخت. از مهم‌ترین عوامل موفقیت داعش می‌توان به: ساختار و عملکرد ضعیف دولت ملت‌های عرب، سازمان شبکه‌ای و غیر متمرکز ساختار آن که باعث حرکت آسان و سریع در منطقه و حفظ خود در مقابل ارتش‌ها و ناکارآمدی و ناتوانی ایالات متحده و جامعه بین‌المللی اشاره کرد (بصیری، ۱۳۹۶: ۵۵۵). در واقع داعش آخرین نمونه از گروهک‌های تروریستی است که بر اساس نقشه‌ها و ساختار سیاسی آمریکا، رژیم

صهیونیستی، عربستان سعودی و نیروهای بعثی بازمانده از رژیم بعث عراق در دوران حکومت صدام در منطقه گام برمی دارند (تاجیک و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵۸). از طرف دیگر داعش را می توان بخشی از دستور کار سیاست خارجی آمریکا در منطقه غرب آسیا به- منظور جلوگیری از ایجاد دولت های با ثبات و نیز منازعه نیابتی این کشور با ایران به عنوان قدرت منطقه ارزیابی کرد (اردم و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۲).

بی اعتنایی به دنیا، جهاد و خشونت، هجرت، قلمرو گشایی و فتح اراضی از جمله مهم ترین ویژگی های گروه تکفیری داعش و القاعده است (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴۵). داعشی ها اولین چالش را برای هنجارهای جنبش های جهادی در جهان ایجاد کردند که سبب شد تا به شرکت کنندگان در این جنبش ها رهبری جایگزین پیشنهاد دهند (۲: ۲۰۲۲ Rasheed). دولت اسلامی داعش تبدیل به واقعیت منطقه ای و شاید بتوان گفت تبدیل به واقعیت جهانی شده که به طور قابل توجهی بر ایجاد وضعیت امنیتی در منطقه و فراتر از آن تاثیر گذاشته و به لطف منافع اکثر کشورهای منطقه و همچنین قدرت های بزرگ ایجاد و توسعه یافته است (۵۸: ۲۰۱۶ Berisa). این گروه درصدد نابودی شیعیان و ایجاد یک دولت اسلامی و مذهبی است (۱: ۲۰۲۱ Jamet).

داعش گروهی است که می خواهد جایگزین القاعده ای شود که با آن درگیر بوده و خود را به عنوان گروه اصلی ستیزه جوی اسلام گرا معرفی نماید (۱: ۲۰۱۴ Hashim). به همین دلیل داعش قدرت ایدئولوژیکی برای الهام بخشیدن به حملات خارج از کشور را نیز حفظ نموده است (۱: ۲۰۱۷ Lister). داعش از یک گروه تروریستی ناشناخته به چالش برانگیزترین معضل برای امنیت جهان تبدیل شده است. این گروه از استثمار فیزیکی و جنسی زنان و کودکان حمایت و غیرمومنان را شکنجه می کنند و می کشند. مسلمانانی که به فرقه های دیگر تعلق دارند یا با تعریف ایمان توسط داعش مخالف هستند مرتد اعلام می شوند و آن ها را به قتل می رسانند (ماهرخ، ۱۳۹۳: ۴). به همین دلیل داعش یا دولت اسلامی عراق و شام به عنوان یک دولت اسلامی ستیزه جوی افراطی، جهادی وهابی، سلفی شناخته شده است (مصلی نژاد، ۱۳۹۵: ۳). داعش به عنوان یک گروه تروریستی، تهدیدی

جدی برای صلح و امنیت به‌شمار می‌رود که خود را با فناوری‌های جدید تطبیق می‌دهد (۲). (Stanicek, ۲۰۲۱). در نتیجه داعش بسیار تهاجمی‌تر است و اعلام دولت اسلامی نشان می‌دهد که می‌خواهد در فضای باز عمل کند نه در سایه (LIU, ۲۰۱۵: ۳). به هر ترتیب می‌توان گفت اشراف اطلاعاتی خوب داعش نسبت به جغرافیا، فرهنگ، مذهب و شناخت نقاط قوت و ضعف مردم بود که توانست ذهنیت سیاسی و اجتماعی مردم عراق را برای آغاز دوره تسلط قدرتمند گفتمان داعش در این سرزمین آماده نماید (قاسمی‌ورجانی، ۱۳۹۴: ۸۴). زیرا گروه تروریستی داعش با یک تعقل جمعی به عنوان بازیگر اصلی نمایشنامه تروریستی به ایفای نقش می‌پردازد. این گروه تروریستی با برخورداری از علایق و ارزش‌های جمعی از میان دیگر گزینه‌های قابل تصور، تروریسم را به عنوان شیوهی عمل انتخاب می‌کند (والتز، ۱۳۸۱: ۱۲). بنابراین مهم‌ترین اهداف داعش عبارتند از:

۱- تأسیس خلافت اسلامی با فتح سرزمین در عراق و سوریه، حکمرانی در این مناطق و حمایت از مردمان این کشورها در برابر تهدیدهای خارجی ۲- از میان بردن مرزهای سیاسی موجود در عراق، سوریه و کل منطقه که با تضعیف دول مرکزی و ایجاد جنگ‌های فرقه‌ای در منطقه می‌توان به این هدف، نائل شد ۳- دعوت از افراد و نخبگان هم‌رأی و هم‌کیش به قلمرو خلافت اسلامی برای جنگیدن و کار ۴- بسط و توسعه قلمرو خلافت اسلامی به خارج از مرزهای این دو کشور و در نهایت، ایجاد جامعه اسلامی یا همان امت واحد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

۱-۳. ایدئولوژی و الگوی سلولی داعش

داعش از سویی وهابی و از سوی دیگر به‌شدت افراطی است. داعش بازگرداندن وهابیت محافظه‌کار سعودی به همان مسیر خشن و افراطی قدیمی و ایدئولوژی آن‌ها وهابیت تجدید حیات یافته می‌باشد. تأکید بر احیای خلافت و استقرار آن در جهان اسلام، استفاده از تکفیر در حد گسترده و اعلام جهاد علیه سایر مسلمانان، ویژگی بارز ایدئولوژی این گروه است (سام‌دلیری و داوند، ۱۳۹۹: ۳۹۱). داعش با هدف و اعلام احیای حکومت اسلامی و تسلط بر همه مناطق حیاتی و حکم بر مبنای دین، می‌کوشد پیروانی را از

کشورهای مختلف عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی، با دعوت به هجرت جذب کند. داعش با استناد به اصول عقایدی و تاریخی و با مشروعیت‌زدایی از ایده ملی‌گرایی، میهن‌پرستی، قبیله‌گرایی و انقلاب‌گرایی و با تفکر «جهاد تنها راه‌حل» تلاش می‌کند ایمان پیروان خود را به جهاد در مقابل حکومت‌ها گره بزند (رحیمی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۱). داعش همانند القاعده به جنبش جهادگران سلفی معتقد است، القاعده و داعش دست راست و چپ سلفی‌گری تکفیری هستند.

در این الگو، یک هسته مرکزی وجود دارد که با نشان دادن برتری‌های کارکردی و گفتمانی بدون ارتباط ارگانیک، افراد و عناصر پیرو می‌یابد. این گروه‌ها، حلقه‌های پیوسته به هم محسوب نمی‌شوند. گروه‌های طرفداری وجود دارند که همانند سلول و بدون ارتباط با هسته مرکزی ایجاد شده و رشد می‌نمایند. این تکثیر سلولی، سازمانی به وجود می‌آورد که عملاً با تعاریف مرسوم از تشکیلات فاصله دارد. آزادی عمل برقرار و الگوی سازمانی داعش مبتنی بر الگوی تکثیر سلولی می‌باشد (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۶۴). به هر ترتیب، گروه تروریستی داعش قسمت‌های بزرگی از عراق و سوریه را در سیطره خویش داشت و هم اکنون نیز در قسمت‌های از آسیای جنوب شرقی، افغانستان، نیجریه و لیبی فعالیت دارد. براساس برخی آمارها در ابتدای سال ۲۰۱۵، مساحت تحت سیطره داعش در سوریه و عراق به ۲۰۰ هزار کیلومتر مربع می‌رسید و تعداد افرادی که در مناطق تحت نفوذ داعش زندگی می‌کردند به ۱۰ میلیون نفر می‌رسید (سیفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۴).

طبق اسناد موجود، آمریکا در پیدایش داعش نقش اساسی و مستقیمی داشته است. براساس افشاگری‌های کارمند اسبق آژانس امنیت ملی ایالات متحده، آژانس امنیت ملی آمریکا با همکاری انگلیس و موساد زمینه لازم را جهت ایجاد و شکل‌گیری داعش فراهم نموده‌اند. طبق این اسناد، سازمان‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، انگلیس و ایالات متحده، برای به وجود آمدن یک گروه تکفیری که بتواند همه‌ی تندروها را از تمام جهان در یک جا گرد هم آورد، همکاری کردند. همچنین این اسناد و اطلاعات نشان می‌دهد که عملیات جمع‌آوری تندروهای سراسر جهان در یک جا «لانه زنبور» نام دارد (ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۵:

۱۴۱-۱۴۰). هدف عملیات لانه زنبور تشکیل گروهی با شعارهای اسلامی است که براساس اندیشه‌های تکفیری، سلاح خود را به‌سوی کشورهای مخالف موجودیت رژیم صهیونیستی نشانه می‌گیرند (داوند و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۱).

۴-۱. مهم‌ترین تشابهات داعش و القاعده

القاعده و داعش نوعی جهان‌بینی آخرالزمانی دارند و هدفشان از بین بردن به اصطلاح، دشمنان اسلام است که مسئول ایجاد رنج‌ها و بحران‌ها در جهان اسلام می‌باشند. از نظر ایدئولوژیک نظام عقیدتی داعش همانند القاعده، جریانی نوسلفی به‌شمار می‌رود که معتقد به اصول و آموزه‌های فرقه وهابیت است و مؤلفه‌های وهابیت مانند توجه به ظاهر دین و رد عقل‌گرایی، جهاد و تروریسم، رد اقتدار سیاسی و اعتقاد به احیای خلافت در هر دو گروه به چشم می‌خورد (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۹۵).

درگروه‌های القاعده و داعش، جنگ‌طلبی و ستیزه‌جویی بخش مهمی از فلسفه وجودی آن‌ها قلمداد می‌شود و بقای آن‌ها به استمرار ستیزه‌جویی و سازش‌ناپذیری آن‌ها بستگی دارد (جمالی، ۱۳۹۵: ۴۵). رادیکالیسم و خشونت در هر دو گروه جنبه مذهبی داشته و حذف مرجعیت مذهبی و تفسیر به رأی تخصصی از اسلام و منابع، از دیگر خصوصیات داعش و القاعده می‌باشد (الماسی، ۱۳۸۹: ۸۹). ریشه مصائب جهان اسلام را در دارالکفر می‌دانند و به‌شدت غرب ستیزند و در جهت مظلومی که صلیبیون به مسلمانان روا داشته‌اند هرگونه کشتار و عملیات تروریستی را در اروپا و آمریکا مجاز دانسته و تشویق می‌کنند. روش انجام دادن عملیات توسط هر دو گروه در اکثر عملیات‌ها به‌صورت انفرادی و بدون ارتباط با مرکز است. گروه‌های القاعده و داعش به‌طور مشابه از فضای مجازی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار برای استخدام، سازماندهی، شناسایی، تأمین مالی و ارتباطات بهره‌برداری کرده‌اند. هر دو از کمک‌های نقدی مستقیم یا غیرمستقیم حکومت‌های عربی حاشیه خلیج فارس بهره‌مند شده‌اند. داعش و القاعده هر دو علاقه‌ای به دشمنی با رژیم صهیونیستی ندارند و از این رژیم کمک نیز می‌گیرند (اختیاری‌امیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱).

۱-۵. مهم ترین افتراقات داعش با القاعده

تفاوت بارز میان داعش و القاعده در اولویت مبارزه با دشمن است، که دشمن به دو دسته، عدوالبعید یا دشمن دور، غربی‌ها، صلیبی‌ها و غیرمسلمان‌ها، و عدوالقرب یا دشمنان نزدیک که شامل برخی فرقه‌های اسلام‌گرای تقسیم می‌شود (الماسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳). درحالی‌که القاعده راهبرد خود را براساس اولویت دادن به مبارزه با عدوالبعید یا غربی‌ها قرار داده، داعش محور فعالیت‌های خود را بر مبارزه با عدوالقرب متمرکز نموده است (الماسی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵۴). داعش تنها گروهی است که بریدن سر انسان‌ها را به‌حدی انجام می‌دهد که این اقدام عمدتاً به عنوان منبع وحشت‌آفرین عملیات آن‌ها در اقصی نقاط منطقه شناخته می‌شود (داوند و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۲). داعش لحظات جدا کردن سر و یا به آتش کشیدن اسیران را به‌طور تهوع‌آوری به روی آنتن می‌برد که هدفشان تحریک دشمنان به مقابله است و همچنین از غرب خواسته می‌شود وارد این نزاع منطقه‌ای نشوند، هدف دیگر داعش از پخش این تصاویر، تشویق گروه‌ها و افراد مردد به عضویت در این گروه و نشان دادن قدرت زیاد این گروه و تضعیف روحیه نیروهای دولتی و سایر دشمنان آن است.

۱-۵-۱. افتراقات القاعده و داعش از منظر ایدئولوژیک

از ویژگی‌های قابل توجه که ایدئولوژی داعش را از سایر گروه‌های افراط‌گرا متمایز می‌سازد، تاکید بر مهاجرت است. این گروه وقتی در تابستان ۲۰۱۴ شهر موصل را به تصرف خود درآورد، از مسلمانان سراسر جهان برای مهاجرت به این سرزمین دعوت کرد. چرا که کلمه «هجرت» در معانی اسلامی حائز اهمیت است و در سنت اسلامی اشاره به هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه دارد که برای اولین بار منجر به تأسیس حکومت شد (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱-۲۰). همچنین داعش در مقایسه با القاعده، شیعه سستیزتر است و به دنبال شیعه‌هراسی و ترویج سلفی‌گری می‌باشد. داعش در پی گسترش شبکه ترور در جهان اسلام است که در نهایت باعث مهار اسلام سیاسی و تقویت نظام سلطه می‌گردد. ایدئولوژی داعش براساس افراط‌گرایی، جهادگرایی سلفی و وهابیت بنا شده

است. هدف نهایی ایدئولوژی القاعده، دستیابی به حکومتی فقهی است که ریشه در سلفی‌گری وهابیت دارد و بر تمام جهان حکم می‌راند. داعش ادعا داشت که یک خلافت اسلامی ایجاد کرده است و خواستار بیعت جهانی کل امت اسلام شد و ایجاد این خلافت را یک وظیفه دینی و شرعی توصیف کرد. داعش مفهوم دولت ملی را رد کرده، ناسیونالیسم به همراه دموکراسی و سکولاریسم را همانند بت‌پرستی می‌داند. داعش خود را بازیگری مشروع از نظر دینی معرفی می‌کند. این گروه تروریستی خودش را نسبت به دیگر رقبایش مدافع اسلام توصیف می‌کند. ایدئولوژی داعش که جذابیت آن را افزایش می‌دهد، عملکردی بودن آن‌هاست مثلاً اگر زیارتگاه را نماد شرک می‌دانند، به این اعتقاد خود با منهدم کردن آن مکان، جامه عمل می‌پوشانند. القاعده به دنبال ایجاد خلافت یا حکومت در مکانی خاص نیست اما داعش به دنبال خلافت و تشکیل حکومت در منطقه‌ای خاص می‌باشد و در نهایت، القاعده امت را هدف سخن می‌داند ولی داعش مخاطب خود را شهروندان تحت کنترل خود قرار می‌دهد.

۱-۵-۲. افتراقات القاعده و داعش از منظر سازمانی

مهم‌ترین افتراقات القاعده و داعش از منظر سازمانی عبارتند از:

- ۱- القاعده در نحوه بیان مواضع خود به سبک عربی کهن و مملو از واژگان مذهبی استفاده می‌کند اما داعش از زبانی ساده و همه فهم استفاده می‌کند. ۲- القاعده در جذب نیرو به روش‌های سنتی و عموماً با استفاده از نفوذ در مدارس مذهبی عمل می‌کرد، درحالی‌که داعش به روش‌های جدید جذب نیرو به‌ویژه از طریق اینترنت تاکید دارد. ۳- القاعده اولین گروهی است که به‌طور کامل از اینترنت بهره‌برداری کرد. رهبران القاعده ۹۰ درصد از مبارزه را در ارتباطات می‌دانند. القاعده حضوری حدوداً دو دهه‌ای در اینترنت دارد درحالی‌که داعش نسبت به آن تازه وارد محسوب می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۱).
- ۴- القاعده راه ورود داعش به اینترنت را هموار کرد. القاعده در جایی از این پیشرفت باقی ماند و از آن عبور نکرد، اما داعش از آن عبور و از آخرین ابزارهای اینترنتی به‌منظور جذب نیرو و تبلیغ خود و ایجاد هراس در دل دشمنان استفاده کرد (Abu Khalil, 2014). ۵-

القاعده زیر مجموعه جریان سلفی وهابیت می باشد که خاستگاه آن عربستان است، اما داعش بخشی از جریان نوسلفی تکفیری-جهادی می باشد که ریشه فکری آن در مصر است و بیشتر از اندیشه های سید قطب نشأت می گیرد. ۶- سران القاعده بیشتر از ثروتمندان عرب و دانش آموختگان در غرب هستند، اما رهبران داعش از سطح پایین تری هستند و کمتر تحصیلات عالیه دارند (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۵). ۷- القاعده بر سیاست خارجی متمرکز بوده است، در حالی که داعش بر سیاست داخلی تمرکز دارد. ۸- القاعده به طور متمرکز تحت رهبری بن لادن و معاونان خود بوده و دارای رهبری کاریزماتیک، ولی داعش سازمانی با رهبری جمعی دارد و فاقد رهبری کاریزماتیک می باشد. ۹- القاعده یک سازمان کوچک نخبه گرا و به دنبال معتقدان واقعی است، در حالی که داعش یک حزب و یک ارتش توده گراست که به دنبال حکومت بر کشورهاست. ۱۰- القاعده هیچ منطقه جغرافیایی تحت تسلط ندارد و انسجام سازمانی کمتری دارد، اما داعش بر مناطقی از عراق و سوریه تسلط دارد و از لحاظ سازمانی منسجم و تا حدی منظم و جامع تر است. ۱۱- القاعده تلاش دارد تا خود را به عنوان گزینه ای کمتر خشونت آمیز و میانه رو تر معرفی کند و برای پخش تصاویر خشونت آمیز منع های بیشتری را رعایت می کند که دوام و ثبات بیشتری داشته باشد، اما ویدئوهای داعش سطحی بی انتها از خشونت را ترغیب می کنند. ۱۲- نظر رهبران القاعده نسبت به ایران در ابتدا منفی بود و به ایرانیان اعتماد نداشتند اما اخیرا نظر آنها در مورد ایرانیان تغییر کرده است و ریختن خون شیعیان را حرام دانسته اند و ایران چندان جایگاهی در موضع گیری های خصمانه آنها ندارد. اما داعش شیعیان را کافر، خائن، مرتد و رافضی می دانند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

۱-۵-۳. افتراقات القاعده و داعش از منظر جهادی

۱- القاعده و داعش با نظام سلطه مذاهب اربعه و تشیع مخالفت می کنند اما تفاوت آنها این است که برای القاعده، نظام سلطه دشمن اصلی و مرکز مقابله بوده و درگیری با شیعیان در مراحل بعدی قرار دارد اما هدف کنونی داعش تشیع است (میریوسفی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۴). ۲- راهبرد القاعده برای رسیدن به اهداف خویش راهبردی ترکیبی است،

همانند مبارزه با ایالات متحده و اقدامات تروریستی خارق‌العاده برای تحریک جهان اسلام و متقاعد کردن ایالات متحده به خروج از جهان اسلام. درحالی‌که داعش ادعا می‌کند در پی ساخت یک دولت اسلامی می‌باشد لذا، راهبردش کنترل منطقه جغرافیایی و گسترش آن بوده است. ۳- القاعده در پی ایجاد اتحاد در بین دیگر گروه‌های تکفیری تروریستی بود، اما داعش به فاصله‌گیری از دیگر گروه‌ها اصرار دارد. ۴- عملیات‌های القاعده فرمانطقه‌ای اما داعش برخلاف جریان جهانی القاعده، در حال حاضر منطقه‌ای و به منطقه غرب آسیا محدود است. ۵- القاعده خطری کوتاه مدت برای منطقه محسوب می‌شود، اما داعش خطری بلند مدت برای منطقه است (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۷۶).

۵-۱-۴. شیوه‌های تامین منابع مالی در القاعده و داعش

محل تامین منابع مالی القاعده از سه منبع عمده ۱- ثروت شخصی بن‌لادن، ۲- هبه‌ها و ۳- فعالیت‌های مجرمانه و چندلایه و بسیار متنوع است. زمانی‌که آمریکا تلاش کرد برخی از دارایی‌های این گروه را توقیف کند، بن‌لادن اعلام کرد این گروه آلترناتیوهای متعددی برای تأمین منابع مالی خود دارد. او تأکید کرد که القاعده توسط جوانان تحصیل‌کرده فراوانی در جهان اداره می‌شود و قادرند این راه‌ها را بیابند (Raphaeli, 2003: 61). بنابراین علاوه بر موارد فوق، تجارت الماس و جواهرات، تأسیس بانک، سرمایه‌گذاری‌ها، قاچاق و اسکورت مواد مخدر، گروگان‌گیری و کمک‌های دولتی از عمده‌ترین شیوه‌های تامین منابع مالی القاعده است (Freeman, 2011: 465-470)، اما شیوه‌های تامین منابع مالی در داعش به گونه‌ای دیگر است به‌طوری‌که، داعش روزانه حدوداً سه میلیون دلار درآمد داشته و بودجه سالیانه داعش دو میلیارد دلار در سال برآورد شده است. همین‌طور دارایی‌های این گروه تا اواخر سال ۲۰۱۵ دو میلیارد دلار آمریکا تخمین زده می‌شد که ۱۱ درصد بیش از سال ۲۰۱۴ بود. این وضعیت باعث شد تا داعش به عنوان ثروتمندترین گروه تروریستی دنیا در طول تاریخ شناخته شود. عموماً استدلال می‌شود که سه منبع شامل نفت به میزان ۵۰۰ میلیون دلار، مالیات‌ستانی و اخاذی به میزان ۳۰۰ میلیون دلار و سرقت از بانک موصل به میزان ۵۰۰ میلیون دلار از درآمدهای اصلی داعش در سال ۲۰۱۵ بود (

کلارک^۱؛ ۲۰۱۸: ۵). علاوه بر این قاچاق آثار باستانی، حمایت‌هایی مالی خارجی، دست‌برد به سپرده‌های بانکی، مالیات‌ستانی و جزیه، فروش ارزاق عمومی و آدم‌ربایی از اصلی‌ترین منابع درآمدی داعش شناسایی و احصاء گردیده است.

پیشینه تحقیق

باتوجه به اهمیت شناخت هرچه بیشتر فعالیت گروه‌های تروریستی داعش و القاعده، پژوهش حاضر به بررسی برخی از مقالات منتشر شده در این خصوص می‌پردازد.

درج و همکاران (۱۴۰۱) در «تلاش راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای حذف داعش از معادلات عراق و سوریه» عنوان می‌کنند که کشور جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با گروه‌های تروریستی تکفیری اقدامات زیادی انجام داده و از فروپاشی کشورهای محور مقاومت و متحدان منطقه‌ای خود جلوگیری نموده و از شکل‌گیری نظم و الگوی منطقه‌ای در راستای اهداف و منافع رقبای خود در غرب آسیا ممانعت کرده است.

اصلی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «تأثیرسنجی امنیتی حضور داعش در افغانستان بر جمهوری اسلامی ایران» عنوان می‌کنند که به‌دنبال شکست داعش در سرزمین‌های عربی، افغانستان به عنوان یکی از مستعدترین کشورها برای حضور تروریست‌های داعش مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله به‌صورت منسجم به مبحث اصلی مقاله پرداخته نشده که از نقاط ضعف مقاله می‌توان برشمرد.

چگنی‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای گسترش حضور داعش در افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» عنوان می‌دارند که تقویت حضور داعش امنیت ملی ایران را در ابعاد داخلی و بین‌المللی مورد تهدید قرار می‌دهد. فرصت‌هایی مانند گسترش همکاری‌های فنی و اطلاعاتی یا ایجاد ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در این میان متصور است، اما در قیاس با تهدیدهای مطرح

^۱Clarke

شده قابل توجه نیستند. همچنین با توجه به تفاوت موجود در شکل و ماهیت حضور داعش در سوریه و افغانستان به نظر می‌رسد، نحوه مواجهه ایران نمی‌تواند مشابه مورد سوریه باشد. از نقاط ضعف مقاله پراکندگی بیش از حد مطالب می‌باشد.

الماسی و همکاران (۱۳۹۹) در «تبارشناسی گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه؛ مطالعه موردی القاعده و داعش» عنوان می‌کنند که القاعده و داعش بزرگ‌ترین گروه‌های تروریستی در غرب آسیا هستند و به دلایل و ریشه‌های شکل‌گیری گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی در غرب آسیا می‌پردازند. از نقاط ضعف مقاله این است که به صورت منظم به دسته‌بندی مفروضات و عوامل تبارشناسی این گروه‌ها اشاره نشده است.

کلارک (۲۰۱۸) در «مروری بر روندهای کنونی تروریسم و امور مالی غیرقانونی آن: درس‌هایی از دولت اسلامی در عراق و سوریه» به بررسی هزینه‌های مالی دو گروه القاعده و داعش پرداخته و به‌خوبی منابع مالی این دو گروه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است که از نکات مثبت این مقاله می‌باشد.

ابوخلیل (۲۰۱۴) در «داعش و القاعده شباهت‌ها و تفاوت‌ها» این دو گروه را بررسی نموده است. این مقاله بیشتر به شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو گروه در نحوه‌ی استفاده از اینترنت و چگونگی استفاده از این ابزار پرداخته که از نقاط قوت آن می‌باشد.

تفاوت عمده پژوهش‌های ذکر شده با پژوهش حاضر در این است که پژوهش حاضر بر تبیین اختلافات داعش و القاعده در غرب آسیا و بازتاب آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران متمرکز بوده و رویکرد اصلی پژوهش این است که نشان دهد این اختلافات چه بازتابی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز از طریق فیش‌برداری، منابع موجود و در دسترس (کتاب، مقالات و فصلنامه‌های علمی-پژوهشی و علمی تخصصی، سایت‌های معتبر و ...) داخلی و خارجی انجام شده است. هدف این پژوهش تبیین اختلافات القاعده و داعش در غرب آسیا و بازتاب آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۳-۱. موضع و عملکرد همسایگان ایران نسبت به گروه‌های داعش و القاعده و

تهدیدات آن‌ها علیه امنیت ملی ایران

عوامل مؤثر در اهمیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران برای گروه‌های تکفیری شامل موقعیت جغرافیایی، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. موقعیت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران براساس نظریه هارتلند توسط مکیندر جغرافیدان بریتانیایی به عنوان قلب زمین، روی نقشه جهان واقع شده است و هر دولتی که بتواند بر این سرزمین مسلط شود می‌تواند جهان را مدیریت کند. موضع همسایگان جمهوری اسلامی ایران نسبت به گروه‌های تکفیری، شامل کشورهای ترکیه، قطر، عربستان، کویت و امارات متحده عربی، در راستای راهبرد مقابله با ایران و متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، موضع‌گیری علیه جمهوری اسلامی ایران و حمایت از گروه‌های وهابی تکفیری است که این کشورها غالباً عضو شورای همکاری خلیج فارس می‌باشند. این موضع‌گیری در قالب اردوگاه اعراب سنی شامل عربستان، امارات، قطر و کویت، علیه اردوگاه شیعه شامل جمهوری اسلامی ایران، دولت تازه شکل گرفته عراق، سوریه و لبنان است (شمولی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۴).

تعداد جنگجویان خارجی که به کشورهای سوریه و عراق آمده بودند بین ۲۷۰۰۰ تا ۳۱۰۰۰ نفر از ۸۶ کشور جهان تخمین زده شد و با توجه به این که زمینه اقدامات این گروه‌ها آماده بود، کشورهای عراق و سوریه به منطقه‌ای مساعد برای تجمع این گروه‌ها از تمامی جهان تبدیل شد (۲۶: ۲۰۰۷, cloud, et. al). بنابراین با وجود این که ۳۰۰۰۰ نیروی مجهز به سلاح‌های پیشرفته دولت عراق در موصل بود، در مقابل داعش اقدامی انجام ندادند و داعش توانست در مدت سه روز موصل را تصرف کند. چرا که فرماندهان ارشد نظامی کشور عراق که بیشتر آن‌ها از حزب بعث و طرفدار صدام بودند با داعش همکاری کردند. ناتو و آمریکا در موصل، ارتش عراق را مکلف کردند تا به تشکیلات داعش ملحق شوند (۵: ۲۰۱۷, Chossudovsky). که بزرگترین موفقیت داعش در سال ۲۰۱۴، تصرف موصل دومین شهر بزرگ عراق بود (داوند و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۹).

به هر ترتیب، از مهم‌ترین آثار و نتایج مخرب قدرت گرفتن و توسعه القاعده و داعش در غرب آسیا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ترویج پدیده اسلام‌هراسی و ایجاد نفرت از مسلمانان در غرب آسیا، فراموشی مساله فلسطین و تامین منافع رژیم صهیونیستی، تضعیف بیداری اسلامی و به انحراف کشیدن آن، ایجاد تفرقه در بین امت مسلمان اعم از شیعه و سنی، راه‌اندازی جنگ‌های داخلی در کشورهای اسلامی غرب آسیا، تامین منافع غرب و هموار کردن راه برای آنان جهت حمله نظامی و غارتگری در کشورها به بهانه مبارزه با تروریسم، قتل عام مسلمانان بی‌گناه و ایجاد حس بی‌اعتمادی در بین مسلمانان نسبت به یکدیگر و گسترش ناامنی در منطقه و تهدید منافع ملی کشورها (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱). اهداف و مقاصد قدرت‌های بین‌المللی نیز می‌طلبد که منطقه غرب آسیا همواره از امنیت لازم و پایدار برخوردار نباشد که این امر سه دلیل دارد:

الف) خلاء امنیتی: خلا امنیتی همواره نیاز به وجود قدرت‌های جهانی در غرب آسیا را توجیه می‌کند و هر اندازه که غرب آسیا از ثبات لازم و پایدار برخوردار نباشد، احتیاج بیشتر و در نتیجه وابستگی بیشتر به قدرت‌های جهانی در منطقه را به دنبال خواهد داشت.

ب) فروش اسلحه: مشکلات امنیتی، شکاف‌ها و چالش‌ها در غرب آسیا، بزرگترین فرصت را برای خرید و فروش تسلیحات و رسیدن کارتل‌های تسلیحاتی به ثروت فراوان را به‌وجود می‌آورد.

ج) امنیت پایدار برای صهیونیست‌ها: هرچند که همواره رهبران و افراد موثر گروه‌های تکفیری و سلفی به مبارزه با دشمنان اسلام تاکید داشته و دارند، اما باین‌وجود از سوی این گروه‌ها تهدیدی متوجه رژیم صهیونیستی نیست (شمولی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۴).

۲-۳. تهدیدات و فرصت‌های جریان‌های سلفی تکفیری القاعده و داعش برای

جمهوری اسلامی ایران

گروه‌های تکفیری تهدیدات گسترده‌ای را علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی به همراه داشته‌اند. در بعد امنیتی: امنیت فیزیکی و بقای کشورهای سوریه و عراق را با خطر سقوط مواجه کرده و مصمم به سرنگونی ایران است و از آنجا که گروه‌های تکفیری از جمله داعش ثروتمندترین گروهک تروریستی است در صورت دستیابی غیرقانونی به سلاح کشتار جمعی، از آن علیه دشمنان خود استفاده خواهد کرد. ایران با داشتن ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق، همچنین رشد و گسترش داعش در افغانستان، از ناحیه مرزهای غربی و شرقی خود در تیررس گروه‌های تکفیری قرار گرفته و حلقه محاصره فیزیکی آن تنگ‌تر شده است. در بعد سیاسی: سبب ضعیف شدن دولت عراق، سوریه و حزب‌الله می‌شود که باعث انحراف جریان بیداری اسلامی، ضعیف شدن شیعیان و حضور دوباره نیروهای آمریکایی در قالب ائتلاف علیه گروه‌های سلفی، تکفیری و چرخش توازن قدرت به‌سوی برخی از کشورهای عربی محافظه‌کار و رژیم صهیونیستی می‌شود. در بعد اجتماعی: سبب خدشه‌دار شدن منزلت ایدئولوژی ایران، تخریب فرهنگ اسلامی و مخدوش کردن چهره اسلام ناب محمدی (ص) و توسعه مفاهیمی غیر از ایده نظام سیاسی جمهوری اسلامی شده و در صورت تسلط کامل بر محور مقاومت می‌تواند باعث ایجاد شکاف‌های مذهبی، فرقه‌ای و قومی، بسترسازی برای گروه‌های افراطی و برخورد‌های مسلحانه در مرزهای ایران شود. در

بعد اقتصادی: با تسلط بر قسمت‌هایی از محور مقاومت، سبب کاهش روند تجارت صادرات و واردات بین عراق، سوریه و ایران شده و در صورت سلطه کامل بر ژئوپلیتیک شیعه، باعث اختلال در صدور انرژی و تغییر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به سود ایالات متحده می‌شود که باعث محصور شدن جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا می‌شود (شمولی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۸).

از سوی دیگر القاعده و داعش که نقطه اوج قدرت‌نمایی گروه‌های تکفیری هستند فرصت‌ها و مقدورات قابل توجهی را نیز ایجاد نموده‌اند از جمله فرصت‌های نظامی، تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران، افزایش مشروعیت و اعتبار جبهه مقاومت، عملیاتی شدن آموزش‌ها و تجربه جنگ‌های چریکی در صحنه نبرد، تضعیف نیروهای گریز از مرکز به دلیل ثبات و امنیت داخلی و اثبات توانایی ایران به عنوان جزیره ثبات در منطقه بی‌ساختار و بی‌ثبات را در پی داشت. از مهم‌ترین فرصت‌های سیاسی نیز می‌توان به مشروعیت یافتن نقش فعال ایران در منطقه و به‌ویژه در سوریه، انسجام سیاسی در میان گروه‌های شیعه در منطقه و به‌ویژه عراق، شکل‌گیری گروه‌های نظامی همسو با ایران و تقویت و ارتقای سیاست خارجی و دیپلماسی ایران اشاره نمود. در نهایت، فرصت‌های اجتماعی شامل: ارتقای موقعیت و جایگاه مرجعیت شیعه، افزایش مشروعیت اسلام شیعی میانه‌رو و سرانجام ظهور پرسش‌های جدی جهانی از نهادهای مذهبی سعودی-وهابی می‌باشد (نصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۴).

۳-۳. اختلافات داعش و القاعده در غرب آسیا و بازتاب آن بر امنیت ملی جمهوری

اسلامی ایران

اختلافات متعدد داعش و القاعده و شکست‌های پی‌درپی این گروه‌ها در کشورهای سوریه و عراق نشان‌دهنده عدم توانایی این گروه‌های تروریستی تکفیری در اجرای سیاست‌های غرب و حامیان صهیونیستی و عرب آن‌ها از یک سو و برجسته‌تر شدن قدرت جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و جبهه مقاومت از سویی دیگر است (درج و

همکاران، ۱۴۰۱: ۸۷). هم‌اکنون نفوذ ایران در غرب آسیا بسیار بیشتر از قبل شده است و اکثریت گروه‌های شبه نظامی شیعه در منطقه با ایران متحد هستند که می‌توان از آن‌ها در رقابت با مخالفان جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد، این نفوذ از زمان اختلاف و شکست گروه‌های تکفیری القاعده و داعش افزایش یافته است. زیرا گروه‌های تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران در بخش‌هایی که از تصرف القاعده و داعش آزاد شده‌اند، نظیر مناطق متعددی از مرز عراق و سوریه ریشه دوانده‌اند (نویدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸).

امروز جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرتمندترین کشور منطقه، عمق راهبردی خود را تا مرزهای جنوبی لبنان با رژیم غاصب صهیونیسم گسترش داده است که سرلشکر صفوی دستیار و مشاور عالی فرماندهی کل قوا در این باره عنوان می‌دارد: قدرت نفوذ ایران از محور ایران، عراق و سوریه تا مدیترانه رسیده است و خط دفاعی ما دیگر شلمچه نیست. مرز دفاعی ما جنوب لبنان با رژیم صهیونیستی و عمق دفاع راهبردی ما تا کنار مدیترانه و بالای سر رژیم صهیونیستی رسیده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۳). از آنجاکه ایران یکی از کشورهای غرب آسیا و رهبر محور مقاومت در منطقه به‌شمار می‌آید، بی‌تردید وجود داعش در کشورهای چون سوریه و عراق، علاوه بر تأثیرات و پیامدهایی بر ساختار این کشورها، تهدیدی برای امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شود. بنابراین جمهوری اسلامی ایران با هم‌پیمانی دولت‌های عراق و سوریه و نیز کمک حزب‌الله و روسیه در صدد نابود کردن این گروه‌های تکفیری برآمد و از این طریق مانع تغییر روندهای جاری سیاسی و امنیتی در منطقه توسط قدرت‌های رقیب شد (درج و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۸). داعش ایران را به عنوان مهم‌ترین رقیب و همیار شیعیان و کردهای عراق به‌شدت در چالش با خود می‌بیند.

جمهوری اسلامی ایران با فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی یک راهبرد سیاسی، امنیتی هوشمندانه‌ای در راستای تأمین منافع ژئوپلیتیک کشور طراحی کرد که دارای دو جنبه بود، نخست افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران که سبب تقویت منابع قدرت ملی و حفظ فوری امنیت در مرزها و در حلقه‌ای کلان‌تر امنیت در منطقه را شامل

می‌شد و دوم، حفظ کشور از طریق دفع تهدیدات متقارن (بازیگران دولتی دشمن مثل رژیم صهیونیستی و ایالات متحده) و تهدیدات نامتقارن (گروه‌های تروریستی القاعده و داعش) که امروز امنیت کامل در مرزهای جمهوری اسلامی ایران برقرار است (برزگر، ۱۳۹۹: ۵۰).

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحولات اخیر غرب آسیا کانون بحران‌های گوناگون بوده که جهان را صحنه درگیری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کرده است. در این میان یکی از پدیده‌های جدید عرصه روابط بین‌الملل، بنیادگرایی اسلامی است که اکنون در غرب آسیا و بیشتر کشورهای اسلامی فعالیت دارد. تکفیریان با سوء استفاده از علایق مذهبی در غرب آسیا و عمیق شدن این شکاف‌ها به واسطه جنگ قدرت‌ها و خلاء امنیتی ایجاد شده، منطقه غرب آسیا را به بهشت گروه‌های افراطی تبدیل کرده‌اند. در نتیجه امنیت یک مفهوم پیچیده و مناقشه‌برانگیز است و عمدتاً متأثر از ارزش‌هاست. مسئله امنیتی نیز زمانی به وجود می‌آید که گروه و یا دولتی استقلال کشور دیگری را تهدید نماید. گروه‌های تکفیری مانند القاعده و داعش به عنوان یکی از جدیدترین چالش‌های امنیت منطقه غرب آسیا و بین‌الملل مطرح هستند که اقدامات این گروه‌های سلفی، تکفیری تأثیر مستقیمی بر امنیت کشورهای غرب آسیا دارند. گروه‌های تکفیری با بهره‌گیری از تسلیحات پیشرفته و کمک‌های مالی برخی از کشورهای منطقه و فرامنطقه توانستند به سرعت در کشورهای غرب آسیا مانند سوریه و عراق نفوذ کنند و مناطق وسیعی را تحت کنترل خود درآورند و همین مسئله باعث شد که دولت‌های شیعی در کشورهای عراق و سوریه در معرض فروپاشی قرارگیرند که موجب کم کردن نفوذ ایران در منطقه به نفع خود هستند. بنابراین گروه‌های تکفیری خطری برای تمامیت ارضی ایران به حساب می‌آیند. این گروه‌های تکفیری در اندیشه ایجاد خلافت هستند و ایجاد خلافت هم مستلزم ادغام کشورهای منطقه در یک کشور است. آن‌ها می‌توانند با حمله به مرزهای ایران و مکان‌های مقدس شیعی و همچنین با اعمال تروریستی در داخل تهدیدات امنیتی بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورند و علاوه بر آن به دلیل

حضور اقوام مختلف و همچنین گروهک‌های معارض و مخالف جمهوری اسلامی اندیشه‌های افراطی آن‌ها می‌تواند به داخل مرزهای جمهوری اسلامی ایران اشاعه یافته و موجبات بی‌ثباتی در داخل را فراهم آورد، اما نکته اساسی این است که هم جمهوری اسلامی ایران و هم کشورهای منطقه باید به این باور برسند که تنها با یک گروه تروریستی مبارزه نمی‌کنند بلکه با یک ایدئولوژی مخرب روبرو هستند. آن‌ها باید علاوه بر عرصه نظامی، در عرصه اندیشه و فکر نیز این گروه‌ها را شکست دهند، در نتیجه جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با گروه‌های تکفیری اقداماتی نظیر آماده‌باش اطلاعاتی و نظامی در مرزهای مشترک با عراق، همکاری نظامی با دولت عراق در دفع این گروه‌های تکفیری، افزایش همکاری‌های اطلاعاتی با ترکیه، عراق و سوریه در حوزه مناطق کردنشین، افزایش مراقبت‌های امنیتی و اطلاعاتی در مرزهای شرقی کشور و برنامه‌ریزی برای مواجهه با خلع نظامی و امنیتی را انجام داد و سبب شکست و عقب راندن این گروه‌های تکفیری از مرزهای خود نمود. هرچند که باز می‌طلبد برای تثبیت هرچه بیشتر امنیت، بیشتر تلاش گردد و اقدامات شایسته‌تری صورت پذیرد چرا که پایان القاعده و داعش پایان تروریسم تکفیری نیست و این طرز تفکر از میان نرفته، امکان رشد و گسترش آن نیز وجود دارد و برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وجود محیط تروریستی را به نفع خود می‌دانند.

پیشنهادهای

- جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش از گروه‌های مقاومت از عراق تا درون سرزمین‌های اشغالی حمایت و تقویت کند و درصدد گسترش و بهبود روابط با کشورهای منطقه برآید تا از یک طرف از میزان تنش در غرب آسیا کاسته شود و از سوی دیگر حامیان این گروه‌های تکفیری در انزوا قرار گیرند.

- جمهوری اسلامی ایران در مناطقی از کشور که احتمال عضوگیری گروه‌های تروریستی در این مناطق محتمل است با توسعه متوازن و سرمایه‌گذاری بیش از پیش زمینه اشتغال

جوانان را فراهم نماید که زمینه شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و عضوگیری در این مناطق به حداقل برسد.

- نهادهای امنیتی نسبت به کنترل بیشتر شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های ناقص امنیت اقدامات لازم و موثری را اتخاذ نماید تا امکان جذب و به کارگیری نیرو توسط این گروه‌های تروریستی از طریق شبکه‌های اجتماعی محدود شود.

- مبارزه مادی با گروه‌های تکفیری با به کارگیری کلیه ظرفیت‌ها برای قطع ارتباطات این گروه‌ها با سایر گروه‌های تروریستی - تکفیری مخصوصاً از سمت مرزهای شرقی، همچنین کمک به فرآیند ایجاد ثبات سیاسی در کشورهای پیرامونی و حوزه دفاعی.

- احترام به عقاید دینی، باورهای مذهبی و رسوم فرهنگی مناطق سنی‌نشین همچنین اعتماد به نیروهای متخصص، متعهد و نخبه بومی ساکن در این مناطق و واگذاری پست‌های مدیریتی و سیاسی به آنان، رفع تبعیض و رعایت هرچه بیشتر عدالت در مناطق کمتر توسعه یافته و تلاش در جهت توسعه پایدار.

- اتحاد و ائتلاف بیش از پیش با کشورهای مسلمان و متحد منطقه جهت مبارزه با گروه‌های تکفیری و تقویت وحدت و همگرایی در بین کشورهای مسلمان و جلوگیری از هرگونه تفرقه و نفاق در بین مسلمانان اهل تشیع و اهل تسنن.

- استفاده از ظرفیت‌های مذهبی مشترک با کشورهای اسلامی منطقه از جمله ظرفیت بزرگ اربعین جهت مبارزه عقیدتی با گروه‌های تکفیری داعش و القاعده و تقویت اتحاد و برادری و انسجام در بین شیعه و سنی.

- عدم مرکزگرایی و تقویت حس همبستگی در مناطق سنی‌نشین، چرا که زیست بوم هر منطقه‌ای یک دانش بومی، یک فناوری محلی و یک نظم اجتماعی دارد. تا این فناوری عمیقاً درک نشود طرح‌ها با شکست مواجه می‌شود. این مردم شهدای خودشان را داشته‌اند، قهرمان‌هایی در مسیر انقلاب و جنگ داشته‌اند که با آن‌ها احساس نزدیکی می‌کنند، تلاش شود به دست فراموشی سپرده نشوند. صرفاً روایت مرکز محور از انقلاب ارائه نگردد، تا

جوان این مناطق احساس همبستگی نماید و خود را متعلق به انقلاب و آرمان‌های آن بداند و از پیوستن به گروه‌های تروریستی - تکفیری اجتناب نماید.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- اختیاری امیری، رضا؛ علویان، مرتضی و ولی نتاج، عالمه (بهار ۱۳۹۹)، *مطالعه تطبیقی گروه‌های تروریستی القاعده و داعش*، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۱.
- اصلی‌زاده، بهرام؛ رادمهر، محسن و اسماعیل‌زاده، علی (بهار و تابستان ۱۴۰۱)، *تأثیرسنجی امنیتی حضور داعش در افغانستان بر جمهوری اسلامی ایران*، دو فصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، سال چهارم، شماره ششم، ۱۵۳-۱۸۰.
- الماسی، مصطفی (تابستان ۱۳۸۹)، *امنیت در خاورمیانه و ریشه جنگ علیه تروریسم در آمریکا*، مجله اسلام سیاست و ساختار بین‌المللی، شماره ۱.
- الماسی، مصطفی؛ ابطحی، سیدمصطفی و ازغندی، علیرضا (پاییز ۱۴۰۰)، *بررسی بحران تروریسم داعش در عراق براساس الگوی مایکل برچر*، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۲۶۶-۲۴۵.
- الماسی، مصطفی؛ ازغندی، سیدعلیرضا (تابستان ۱۳۹۹)، *تبارشناسی گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه؛ مطالعه موردی القاعده و داعش*، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۴۳، ۱۷-۱.
- اردم، نیلوفر؛ امام جمعه‌زاده، سیدجواد و گودرزی، مهناز (زمستان ۱۳۹۸)، *حمایت از داعش و موازنه در برابر ایران (۲۰۱۴-۲۰۱۸)*، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم.
- برزگر، کیهان (پاییز ۱۳۸۷)، *ایران خاورمیانه و امنیت بین‌المللی*، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۳.
- برزگر، کیهان (بهار ۱۳۹۹)، *اهداف استراتژیک آمریکا و اروپا در مورد ایران*، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۴، شماره ۱، ۵۵-۳۷.
- بصیری، محمد علی (پاییز ۱۳۹۶)، *بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش*، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، شماره ۳، ۵۷۰-۵۵۳.
- پیترال، برگن (۱۳۹۰)، *اسامه بن لادن*، ترجمه عباسعلی غفاری فرد، تهران، اطلاعات.
- تاجیک، هادی؛ عالیشاهی، عبدالرضا و مجیدی‌نژاد، سیدعلی (تابستان ۱۳۹۳)، *گفتمان حاکم بر شکل‌گیری و فعالیت‌های داعش بر اساس نظریات اسپرینگز - تیلی*، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۳.
- توکلی، سعید (تابستان ۱۳۹۳)، *القاعده و داعش، افتراقات و تشابهات*، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۳.

- جمالی، جواد (بهار ۱۳۹۵)، *طالبان افغان در میانه فشار دولت و داعش*، مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم، شماره ۱، ۷۰-۴۱.
- چگنی زاده، غلامعلی؛ سجادی پور، سیدمحمدکاظم و جهانبخش، محمدتقی (بهار ۱۴۰۰)، *پیامدهای گسترش حضور داعش در افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۱۳.
- داوند، محمد و سام دلیری، کاظم (پاییز ۱۴۰۱)، *تهدیدات گروه تروریستی - تکفیری داعش در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران تا ۱۴۰۴ (مطالعه موردی: عراق)*، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ۲۳۸-۲۰۷.
- درج، حمید و نورانی بنام، کاظم (بهار ۱۴۰۱)، *تلاش راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای حذف داعش از معادلات عراق و سوریه*، پژوهش های جغرافیایی انسانی، دوره ۵۴، شماره ۱، ۹۳-۶۷.
- رحیمی مقدم، فائزه و عباس زاده فتح آبادی، مهدی (بهار و تابستان ۱۴۰۲)، *تحلیل تکنیک های رسانه ای قدرت محور داعش (مطالعه موردی: مجله های دابق و رومیه)*، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال نوزدهم، شماره اول، پیاپی ۳۷، ۱۲۴-۱۰۵.
- رضایی، رضا و موسوی جشتی، سیدصدرالدین (پاییز و زمستان ۱۳۹۶)، *ظهور داعش و تأثیر آن بر معادلات منطقه ای: مطالعه موردی چالش ها و فرصت های به وجود آمده برای ایران*، فصلنامه جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۲، ۱۷۴-۱۴۹.
- ساداتی نژاد، سیدمهدی (بهار ۱۳۹۵)، *نقش ایالات متحده آمریکا در شکل گیری جریان های افراطی در جهان اسلام (مطالعه موردی القاعده و داعش)*، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۷.
- سام دلیری، کاظم و داوند، محمد (تابستان ۱۳۹۹)، *الگوهای رفتاری گروه تکفیری - تروریستی داعش در حوزه دفاعی - امنیتی ج.ا.ایران تا ۱۴۰۴*، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال دهم، شماره ۳۶، ۴۰۸-۳۷۷.
- ساوه درودی، مصطفی (بهار ۱۳۹۳)، *گروه تروریستی داعش: برابند تنازعات و ناامنی های منطقه*، مجله امنیت پژوهی، سال سیزدهم، شماره ۴۵.
- سیفی، عبدالمجید و پورحسن، ناصر (بهار ۱۳۹۷)، *داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق*، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۶۳-۳۷.
- شریعتی، شهرزاد؛ وکیلی، بهنام و قربانی شیخ نشین، ارسلان (زمستان ۱۳۹۹)، *نشانگان پیدایش موج پنجم تروریسم بین المللی در غرب آسیا*، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال دهم، شماره ۳۸، ۳۴-۷.
- شمولی، همت اله و بصیری، محمدعلی (تابستان ۱۳۹۷)، *تبیین آینده پژوهانه تأثیر رفتار گروه های تکفیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۸-۲۰۱۸م)*، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره ۳۹.
- صادقی، علی و میرشکاران، یحیی (بهار ۱۳۹۷)، *تحلیل زمینه های جغرافیایی و اجتماعی شکل گیری و گسترش بنیادگرایی اسلامی مطالعه موردی: جریان تکفیری داعش*، سال سوم، شماره ۱۰.

- صالحی، سیدجواد و مرادی‌نیز، صالح (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، *بنیادگرایی اسلامی داعش و القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی*، دو فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره چهارم، شماره ۱.
- قاسمی ورجانی، مهدی (۱۳۹۴)، *گفتمان داعش-تبیین ذهنیت سیاسی سلفی تکفیری*، تهران، نشر ستوس.
- قاسمی، فائزه و شجاع، مرتضی (تابستان ۱۳۹۶)، *بررسی مقایسه‌ای در راهبرد رسانه‌ای القاعده و داعش*، فصلنامه مطالعات ملی، سال هجدهم، شماره ۳.
- ماهرخ، علی (۱۳۹۳)، *داعش پروپاگاندا: چگونه داعش از زنان استثمار می‌کند*، مؤسسه دانشگاه رویتپس برای مطالعه موسسه روزنامه نگاری آکسفورد رویترز، حامی: بنیاد فریتورد
- مبینی‌کشمه، زهرا و طالع‌ی‌حور، رهبر (بهار ۱۴۰۰)، *کودکان داعش و امنیت بین‌الملل*، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال یازدهم، شماره ۳۹، ۴۶۶-۴۳۱.
- مصلی‌نژاد، عباس (زمستان ۱۳۹۵)، *ظهور داعش و آینده امنیت عراق*، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۱، شماره ۴.
- میریوسفی، علیرضا و غریبی، حسین (بهار ۱۳۹۵)، *خشونت هویتی و سیر تطور اندیشه‌های جهادی-تکفیری در خاورمیانه (۱۹۸۰-۲۰۱۵)*، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره اول.
- نصیرزاده، حسین و گودرزی، مهناز (زمستان ۱۳۹۶)، *سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۳، ۲۰۸-۱۸۱.
- نوربخش، یونس و مهدی‌زاده، منصوره (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، *ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی اجتماعی گرایش به آن*، دوره ۲۲، شماره ۲.
- نویدی‌نیا، فرزاد و گودرزی، مهناز (بهار ۱۳۹۹)، *جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان و ایران در دوره پساداعش*، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۰، شماره ۱، ۲۶-۱.
- والتز، رایش (۱۳۸۱)، *ریشه‌های تروریسم*، ترجمه حسین محمدی نجم، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ.

ب. منابع انگلیسی

- Abu Khalil, As ad (۲۰۱۴), *Isis and al-Qaeda: similarities and differences*, at: <http://english.al-akhbar.com/node/۲۱۳۵۲>.
- Berisa, Hatida, joner, Katrina, Barisic, Lgor (۲۰۱۶), *THE INFLUENCE OF ISLAMIC STATE ON THE GLOBAL SECURITY*, Journal of liberty and international Affairs /vol ۱/suppl ۱.
- Chossudovsky, Michel (۲۰۱۷), *The Engineered Destruction and Political Fragmentation of Iraq*, Available at: <https://www.globalresearch.ca/the-destruction-and-political-fragmentation-of-iraqtowards-the-creation-of-a-us-sponsored-islamist-caliphate/۵۳۸۶۹۹۸>.
- Clarke, C.p (۲۰۱۸), *An Overview of Current Trends in Terrorism and Illicit Finance: Lessons from the Islamic State in Iraq and Syria and Other Emerging Threats*, Santa Monica: Rand Corporation.

- Cloud, David S. and Shanker, Thom (۲۰۰۷), *Gaps in Training Iraqi Forces Worry Top U.S Commanders*, New York Times, ۱۴, July.
- Freeman, M (2011), *The sources of terrorist financing: Theory and typology*, Studies in Conflict & Terrorism, ۳۴(۶), ۲۷۵-۴۶۱.
- Hashim, Ahmeds, (Decamber ۲۰۱۴), *policy Report faRoM AL-QAIDA AFFILIATE TO THE RISE OF THE ISLAMIC CALIPHATE: THE EVOLUTION OF THE ISLAMIC STATE OF IRAQ AND SYRIA (ISIS)*, Military studies institute of Defence and strategic studies, (IDSS). S.Rajaratnam school of international studies (Rsls), Nanyang Technological university singapore.
- Jamet, Chloe, (spring ۲۰۲۱), *under The supervision of professors Agnes Levallois and Ius Batignessciencespo*, The impact of Isis on Muslim countries.
- Lister, Charles (۲۰۱۷), *AL-Qaeda versus Isis competing kinadist Brands in the Middle East*, Middle East institute counterterrorism series.
- LIU, ERIC (۲۰۱۵), *ALQAEDEA ELECTRONIC A SLEEPING DOG?*, AREPORT BY THE CRITICAL THEREATS PROJECT OF THE AMERICAN ENTERPKISE INSTIUTE.
- Raphaeli, N (۲۰۰۳), *Financing of terrorism: sources, methods, and channels*, Terrorism and Political Violence, ۱۵ (۴), ۸۳-۵۹.
- Rasheed, Adil, (September ۲۰۲۲), *Terro ristGroups (ALQaeade and ISI) And counter Terrorism*, RESEARCH AND IN FORMATION DIVISION PARLIAMENT LIBRARY AND REFERENCE RESEARCHN, DOCUMENTATION AND IN FORMATION SERVICE (LARRDIS).
- stanicek, Branislav, (September ۲۰۲۱), *Jihadist networks in sub- saharan Africa origins*, patterns and responses, with Mathilde Betant Rasmussen Members mussenservice, EPRS/European parliamentary Research service.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

